

مصرف غیرمنطقی دارو

از سویی امروزه یکی از مشکلاتی که گریبانگیر بسیاری از کشورها از جمله کشور های در حال توسعه است، مسئله افزایش هزینه های دارویی است که بار مالی شدیدی را بر دوش دولت ها و نیز شرکت های بیمه ای تحمیل می کند. به اعتقاد گروهی از کارشناسان مخارج بخش های مختلف بهداشت و درمان و نیز هزینه های دارویی وابسته به میزان توسعه اقتصادی است به طوری که با افزایش میزان تولید ناخالص داخلی «GDP» هزینه های درمان نیز کاهش می یابد.

در کشور های با درآمد پایین بخش های دارویی عمدتاً سهم بیشتری را از کل مخارج بخش بهداشت و درمان در مقایسه با کشور های دارای اقتصاد باثبات (سهمی حدود 15 درصد (به خود اختصاص می دهند. در کشور هایی مانند چین، اندونزی و تایلند این سهم حدود 35 تا 45 درصد و در کشورهای آفریقایی این سهم از 50 درصد بیشتر است. در کشور های در حال توسعه 50 تا 90 درصد از کل هزینه دارویی توسط بخش خصوصی تامین می شود که نسبت به کشور های صنعتی رقم قابل ملاحظه ای است، زیرا در کشور های پیشرفته این میزان به طور متوسط 34 درصد است. از آنجا که هزینه های دارویی بخش عظیمی از هزینه های بهداشت و درمان را به خود اختصاص می دهند و نیز خرید محصولات دارویی اغلب به دلیل ناکارآمدی در تولید، تهیه و تدارک، ذخیره سازی و توزیع، نیازمند ارز های خارجی است، بنابراین دارو ها عنصر مهمی در استهلاک هزینه های بهداشت و درمان هستند.

در سطح جهان وضعیت دارو به وسیله قطب بندی دو دسته از افراد مشخص می شود؛ کسانی که دسترسی قابل اطمینان به دارو های اساسی دارند و عمدتاً نیز در کشور های توسعه یافته به سر می برند و کسانی که دسترسی اندکی به این گونه مواد دارویی دارند و یا اینکه اصلاً دسترسی به آن ندارند و بیشتر در کشورهای در حال توسعه هستند.

این در حالی است که غالب افرادی که به دارو دسترسی دارند، ممکن است داروی مناسب و یا میزان مناسب از دارو را دریافت نکنند. بسیاری از مردم دارو هایی را می خرند یا برای آنان تجویز می شود که با نیاز های آنان انطباق ندارد.

برخی از چند قلم دارو استفاده می کنند در حالی که مصرف یک قلم دارو برای آنان کافی بوده است و بعضی نیز از دارو هایی استفاده می کنند که برای آنان ضروری نیست. مصرف غیر منطقی

دارو ها ممکن است باعث طولانی شدن بیماری یا به خطر افتادن سلامت بیماران شده و از همه مهم تر باعث به هدر رفتن منابع محدود مالی جامعه در زمینه دارو شود.

تغییر الگوی بیماری ها و همچنین تغییر الگوی مصرف دارو در سطح جامعه نیز از چالش های جدیدی هستند که با آنها مواجه هستیم. شیوع بیماری های جدید از جمله ایدز و ایجاد مقاومت دارویی در برابر بیماری های کشنده ای مانند سل و مالاریا منجر به افزایش مصرف دارو و اعمال فشار بر منابع تامین کننده بهداشت و سلامتی جوامع شده است. تغییر سبک زندگی نیز منجر به شیوع بیماری های خاص و مزمن به ویژه در سالمندان شده است. این در حالی است که دارو های اساسی آنهایی هستند که نیاز های اکثریت جمعیت به مراقبت های بهداشتی را تامین کنند و در نتیجه این دارو ها باید در تمام لحظات و به اندازه کافی در روز های مناسب و با قیمتی قابل قبول برای افراد جامعه در دسترس باشند. دارو های اساسی در بسیاری از زمینه های درمانی نقش حیاتی دارند و چنانچه با قیمت و کیفیت مناسب در اختیار مردم قرار گرفته و به صورت صحیح و منطقی مصرف شوند راه های بسیار ساده و ارزان قیمت برای بسیاری از مشکلات درمانی خواهند بود. این در حالی است که بهترین راه مواجهه با مشکلات پیچیده دارو استفاده از یک چارچوب مشترک است. گاهی رویکرد های سیاسی مختلف موجود در جامعه با یکدیگر در تضاد هستند و از همین رو سازمان بهداشت جهانی پیشنهاد می کند که تمام کشور ها یک سیاست ملی دارویی را تدوین کرده و به اجرا بگذارند.